

# نقش زنان اندیشمندان در تمدن سازی نوین اسلامی از منظر رهبری

زهره مرادی پور، دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، z.setareh.1402@gmail.com

## چکیده

در جهان بینی اسلامی دو رکن اساسی «انسان سازی» و «تمدن سازی» جهت رسیدن به اهداف متعالی الهی، درخششی بی بدیل دارد. تمدن نوین اسلامی تمدنی است که هدفش مردم سالاری دینی مبتنی بر ولایت فقیه و پیشرفت همه جانبه امت اسلامی است احیای و اعتلای این تمدن، نیازمند بهره گیری از اندیشه و عمل انسانی است. زنان به عنوان نیمی از جمعیت انسانی نظام اسلامی می توانند نقش موثری در ساخت تمدن نوین اسلامی داشته باشند و لازم است این نقش ها در جامعه تبیین شود تا زنان نقش خود را بشناسند و در معرفی تمدن موثر باشند. مقام معظم رهبری با تبیین الگوی زن سوم، شاخص هایی را برای نقش آفرینی موثر زنان در عرصه های خانوادگی و اقتصادی بیان کرده است که می تواند رهگشای عمل جامعه ی زنانه ایران در جهت احیای تمدن نوین اسلامی گردد بنابراین، پژوهش حاضر با هدف شناخت نقش زنان اندیشمندان در تمدن سازی نوین اسلامی از منظر رهبری با روش تحلیل محتوای انجام شد. نتایج نشان داد که؛ مقام معظم رهبری همسر داری، فرزندآوری و خانه داری را از وظایف اصلی زنان معرفی کرده و نقش آفرینی محوری زن در خانواده که معطوف به «پرورش و تربیت انسان» و رشد و شکوفایی نسل انسانی است، را نقشی بی بدیل دانسته که هیچ کس غیر از زنان قادر به انجام آن نیست. ایشان در حوزه اجتماعی وظیفه ی اصلی زنان را در احیای تمدن نوین اسلامی تبیین هویت دینی - اسلامی زن در جامعه، کسب علم و دانش و حضور همه جانبه در مناسبات و فعالیت های اجتماعی و سیاسی معرفی کرده اند.

**کلیدواژه ها:** مقام معظم رهبری، تمدن نوین اسلامی، زنان، تحلیل محتوای کیفی.

## 1- مقدمه

در جمهوری اسلامی ایران «توجه به نقش زنان در جامعه به عنوان نیمی از اعضای آن و همچنین تربیت کنندگان نیم دیگر آن، در حوزه زن و خانواده، از اهمیت ویژه ای برخوردار است. طبعاً دین اسلام در این حوزه، دیدگاه و نظریه ویژه ای را در قالب آموزه های وحیانی و معارف قرآنی ارائه نموده است» (سیاح و شرفی، 1398)؛ که تشریح آن و نیز بررسی بیانات بزرگانی چون مقام معظم رهبری که خود از آموزه های قرآنی و روایی نشأت گرفته است، می تواند در تعیین مسیر مطلوب برای احیای تمدن نوین اسلامی در یک جامعه دینی راهگشا باشد چرا که؛ رویکرد مقام معظم رهبری درباره نقش زن در خانواده خود، یک رویکرد تمدن گرایی اسلامی است و نگاه جاهلی سنتی که زنان را محبوس در خانه می کند و نگاه جاهلی مدرنیته که زنان را رها از قید و بند خانواده می کند، نمی پذیرند.

همچنین حق و تکلیف در مورد مباحث زنان را، دو روی یک سکه می‌دانند زیرا رعایت حقوق زنان و متعهد بودن زنان در انجام وظایف خویش، موجب کارآمدی و استحکام خانواده می‌شود. از سویی دیگر؛ حضور زنان در عرصه‌های مختلف فرهنگی - اجتماعی با رعایت الزامات دینی زن مسلمان می‌تواند تبیین‌کننده‌ی هویت دینی زن مسلمان در جامعه باشد. مقام معظم رهبری در بیانات خود «هویت اسلامی را آن دانسته است که زن در عرصه مسائل اجتماعی و سیاسی و ایستادگی و صبر و مقاومت و حضور سیاسی و خواست سیاسی و درک و هوش سیاسی، شناخت کشور خود، شناخت آینده خود، شناخت هدف‌های ملی و بزرگ و اهداف اسلامی مربوط به کشورهای اسلامی و ملت‌های اسلامی، شناخت توطئه‌های دشمن، شناخت دشمن، شناخت روش‌های دشمن باید روزبه روز پیشرفت کند و هم در زمینه ایجاد عدل و انصاف و محیط آرامش و سکونت در داخل خانواده باید پیشرفت داشته باشد.» (بیانات معظم رهبری، 1379).

از منظر مقام معظم رهبری تقویت الگوهای ایرانی - اسلامی زن مسلمان در جامعه می‌تواند به گسترش فرهنگ سیاسی شیعی و اعتدالی تمدن نوین اسلامی کمک نماید. بنابراین نقش خانوادگی و اجتماعی زنان در احیای تمدن نوین اسلامی در بیانات مقام معظم رهبری، غیرقابل انکار است، زیرا در نگاه ایشان زنان همانند مردان یکی از ارکان اساسی زندگی خانوادگی - اجتماعی بوده و بسامانی خانواده و اجتماع به حضور و فعالیت زن و مرد نیازمند است بنابراین شناخت و تبیین نقش زنان در این حوزه‌ها در جهت احیای تمدن نوین اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری ضروری است.

## 2- ملاحظات مفهومی و نظری

### 2-1- تعریف تمدن اسلامی

تمدن اسلامی، تمدنی دینی است که همه‌ی مؤلفه‌های آن بر محور دین اسلام می‌گردد، به دلیلی وجود همین پسوند از یک سو قابلیت تحدید زمانی و تعریف معنایی دارد، زیرا آغاز و انجامش مشخص است و از سوی دیگر دارای گستردگی مفهومی و موضوعی بسیاری است که همه پیچیدگی‌ها، ظرایف و جهان شمولی دین اسلام را به عنوان دین الهی در خود دارد. بدین ترتیب تمدن اسلامی دارای همه‌ی ویژگی‌های تمدن الهی در چارچوب آموزه‌های قرآنی و متکی بر سنت پیامبر اکرم است و مولفه‌های آن، دین، اخلاق، علم، عدالت، قوانین و مقررات اصول دینی و ... است.

چنان که مدینه النبی شهر نو بنیاد پیامبر اکرم (ص) بر اساس همین ارکان استوار شده و تمدنی را ایجاد کرد که مبانی آن قرآنی و نبوی بود. در آن مدینه فاضله، انسان به عنوان موجودی برگزیده در مقام خلیفه الله، وظایف خطیری بر عهده داشت و در تکاپوی رسیدن به قرب الی الله و رضایت خدا، همه مراحل رشد و تعالی را با تمسک به قوانین الهی و سنت نبوی طی می‌کرد (جان احمدی، 1388، ص 52-51). دکتر سید جعفر شهیدی تمدن اسلامی را مجموعه آداب و رسوم مشترک میان ملت‌های مسلمان می‌داند، نباید پنداشت چون این تمدن نام اسلامی به خود گرفته، مظاهر آن همگی بر گرفته از قرآن و سنت بوده و اگر گران پذیر نیست، این دقیقاً نقطه عزیمت و افتراق تمدن از حکم شرعی است، بدین رو هر چند با گذشت زمان مظاهر تمدن تغییر یابد، باز هم باید آن را تمدن اسلامی نامید. تمدن عصر چاپاری تمدن اسلامی بود، تمدن عصر ماهواره و اینترنت هم تمدن اسلامی است (صاحب الزمانی، 1380، ص 89). با این بیان می‌توان تمدن اسلامی را اینگونه تعریف نمود: تمدن اسلامی تمدنی است با مولفه‌های دین، اخلاق، علم، عقل، عدالت، قوانین و ... که هدف نهایی اش تامین نیازهای مادی و معنوی بشر و به عبارتی سعادت دنیوی و خروی می‌باشد. بنابراین تمدن

اسلامی که به عنوان مجموعه ای از باورها آداب و رسوم معارف اسلامی منابع مادی و معنوی مشترکی است که در میان تمام ملل مسلمان وجود دارد نمونه کامل تمدن دینی است (ولایتی، ۱۳۸۷، ص ۹۲).

## 2-1-2- تمدن سازی نوین اسلامی از منظر رهبری

محور بیانات رهبر معظم انقلاب در نظر ایشان به خراسان شمالی مهرماه ۱۳۹۱ موضوع پیشرفت ملت ایران و حرکت به سمت «تمدن سازی نوین اسلامی» بود، ایشان در خصوص تعریف تمدن اسلامی می گویند: «تمدن سازی فرآیندی است که در طی چندین قرن از تسلی به نسل دیگر منتقل می شود و عوامل مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در شکل گیری آن دخیل اند. تمدن سازی از معانی گوناگونی برخوردار است، یکی از معانی آن را مقام معظم رهبری را اینگونه بیان داشتند: پیشرفت همه جانبه در واقع همان تمدن سازی نوین اسلامی است. ما اگر پیشرفت همه جانبه را به معنای تمدن سازی نوین اسلامی بگیریم بالاخره یک مصداق عینی و خارجی برای پیشرفت با مفهوم اسلامی وجود دارد، اینجور بگوییم که هدف ملت ایران و هدف انقلاب اسلامی ایجاد یک تمدن نوین اسلامی است (بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱).

## 2-1-2-2- فرآیند تحقق تمدن سازی اسلامی

مقام معظم رهبری درباره فرآیند تحقق اسلامی اینطور فرمودند: شروع این فرایند طولانی و دشوار از انقلاب اسلامی است، البته انقلاب که می گوئیم، حتما به معنای زد و خورد و شلوغ کاری و امثال این ها نیست، بر خلاف آن برداشت هایی که می بینیم در بعضی از نوشته ها خوششان می آید با کلمه انقلاب بازی کنند، گاهی می خواهند انقلاب را به معنای شورش، اغتشاش، بی نظمی و بی سامانی وانمود کنند و بگویند ما انقلاب نمی خواهیم یعنی انقلاب چیز بدی است. این برداشت های خلط از انقلاب است، انقلاب یعنی دگرگونی بنیادی، البته این دگرگونی بنیادی در اغلب موارد بدون چالش های دشوار و بدون زور آزمایی امکانپذیر نیست، اما معنایش این نیست که در انقلاب حتما بایستی اغتشاش و شورش و امثال این ها باشد، نه، ولی هر شورش و هر اغتشاش و هر تهییج عام و توده ای هم معنایش انقلاب نیست، هر تحولی هم معنایش انقلاب نیست، انقلاب آن جایی است که پایه های غلطی برچیده می شود و پایه های درستی به جای آن گذاشته می شود این قدم اول است، انقلاب که تحقق پیدا کرد بلافاصله بعد از آن تحقق نظام اسلامی است یعنی؛ طرح مهندسی و شکل کلی نظام اسلامی را در جایی پیاده کردن مثل اینکه وقتی در کشور ما نظام سلطنتی استبدادی فردی موروثی اشرافی وابسته بر داشته شد، به جای آن نظام دینی تقوایی مردمی گزینش جایگزین می شود با همین شکل کلی که قانون اساسی برایش معین کرد تحقق پیدا می کند یعنی نظام اسلامی بعد از آن که نظام اسلامی پیش آمد نوبت به تشکیل دولت اسلامی به معنای حقیقی می رسد یا به تعبیر روشن تر تشکیل منش و روش دولت مردان، یعنی ماها، به گونه اسلامی چون این در وهله اول فراهم نیست به تدریج و با تلاش باید به وجود آید مسوولان و دولت مردان باید خودشان را با ضوابط و شرایطی که متعلق به یک مسوول دولت اسلامی است تطبیق کنند یا چنان افرادی اگر هستند سر کار بیایند یا اگر ناقصند خودشان را به سمت کمال در آن جهت حرکت دهند و پیش ببرند، این مرحله سوم است، که از آن تعبیر به ایجاد دولت اسلامی می کنیم، نظام اسلامی قبلا آمده اکنون دولت باید اسلامی شود، دولت به معنای عام نه به معنای هیأت وزرا، یعنی قوای سه گانه مسوولان کشور رهبری و همه (بیانات در دیدار کارگزاران، ۱۳۸۳).

مرحله چهارم که بعد از این است کشور اسلامی است، اگر دولت به معنای واقعی کلمه اسلامی شد آن گاه کشور به معنای واقعی کلمه اسلامی خواهد شد. عدالت مستقر خواهد شد، تبعیض از بین خواهد رفت، فقر به تدریج ریشه کن می شود، عزت حقیقی

برای مردم به وجود می آید، جایگاهش در روابط بین الملل ارتقا پیدا می کند، این می شود، کشور اسلامی. از این مرحله که عبور کنیم بعد از آن دنیای اسلامی و این تمدن بین المللی اسلامی است، از کشور اسلامی می شود دنیای اسلامی و تمدن نوین اسلامی درست کرد، الگو که درست شد نظایرش در دنیا به وجود می آید (بیانات در دیدار کارگزاران نظام، 1379). ما امروز در مرحله دولت اسلامی و کشور اسلامی قرار داریم، باید دولت اسلامی را ایجاد کنیم، در این راه هم حرکت کردیم و ... بر عهده گرفتند. امروز دولت ما یعنی مسوولان سه قوه (مجریه، مقننه، قضائیه) که مجری این ها دولت اسلامی است، سهم خوبی از حقایق اسلامی و ارزشهای اسلامی را دارد، اما کافی نیست. اول خودمان باید بیشتر به سمت اسلامی شدن، مسلمان شدن و مسلمانانه زندگی کردن برویم، باید به سمت زندگی علوی برویم، یعنی باید روح زندگی علوی؛ عدالت، تقوا، پارسایی، پاکدامنی، بی پروایی در راه خدا و میل و شوق به مجاهدت در راه خدا را در خودمان زنده کنیم و به سمت اینها برویم این اساس کار ماست. دولت اسلامی است که کشور اسلامی به وجود می آورد، وقتی کشور اسلامی پدید آمد تمدن اسلامی به وجود خواهد آمد. آن وقت فرهنگ اسلامی فضای عمومی جامعه را فرا خواهد گرفت. اینها همه اش با مراقبت و با تقوا عملی است، تقوای فردی و تقوای جماعت و امت.

در صورتی کارآمدی جمهوری اسلامی ایران مضاعف خواهد شد که دولت اسلامی به سمت زندگی علوی پیش برود، مشکل اساسی که ممکن است برای دولت اسلامی پیش بیاید کارآمدی در نگاه جهانی است، بگویند آیا توانستند این کار را بکنند؟ اگر ما قدم به قدم تحول درونی خود را جدی بگیریم و پیش برویم و پابندی خود را به ارزشها و اصول خود عملاً نشان دهیم کارایی ما بیشتر خواهد شد؟ (بیانات در دیدار با کارگزاران نظام، 1383). منظور از تحول درونی همان غلبه استعدادهای الهی بر حیوانی است. مسئله ی انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی فقدان این نبود و نیست که حالا یک کشوری در عداد با کشورهای دیگر و در مسابقه با آن ها قرار گیرد، از لحاظ پیشرفت مادی و علمی، نظامی، سیاسی آن طوری که معمولاً سران کشورها دنبال آن هستند. مسئله ی اسلام و تشکیل حکومت اسلامی، مسئله ی یک ضرورت است، یک تحول در درون انسان است (بیانات در دیدار معلمان و اساتید دانشگاه های خراسان شمالی، 1391). دولت اسلامی دولتی است که بتواند مقاصدی را که ملت ایران و انقلاب عظیم آن ها داشت، تأمین کند. دولتی است که در آن رشوه، فساد اداری، ویژه خواری، کم کاری، بی اعتنائی به مردم، میل به اشرافی گری، حیف و میل بیت المال نباشد و دیگر چیزهایی که در یک دولت اسلامی لازم است در تعالیم امیر المومنین (ع) در نهج البلاغه است، همه این ها وجود دارد. نگویید این ها مربوط به هزار و چهار صد سال قبل است. این حرف های تکراری و شبهه ها صد ها بار رد شده و بعضی هنوز هم تکرار می کنند.

### 3-2-1-2- شرایط و عناصر اصلی تمدن سازی از دیدگاه رهبری

از دیدگاه رهبری برای ایجاد یک تمدن اسلامی مانند هر تمدن دیگر دو عنصر اساسی لازم است: یکی تولید فکر و دیگری پرورش انسان.

- شرط اول تولید فکر اسلامی مثل یک دریای عمیق است، یک اقیانوس است، هر کسی که لب اقیانوس رفت نمی تواند ادعا کند که اقیانوس را شناخته است، هر کسی هم که نزدیک ساحل پیش رفت و یا چند متری در آب یک منطقه ای فرو رفت نمی تواند بگوید اقیانوس را شناخته است، سیر در اقیانوس عظیم و رسیدن به اعماق آن و کشف آن که از کتاب و سنت همه اینها استفاده می شود کاری است که همگان باید بکنند، کاری است که در طول زمان باید انجام بگیرد، تولید فکر در هر زمانی متناسب با نیاز آن زمان از این اقیانوس عظیم معارف ممکن است (بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه، 1379).

- شرط دوم پرورش انسان (انسان سازی): حال، جایی که فکر و انسان باید تولید شود و ببینید نقش آفرینان چه کسانی هستند. نقش آفرینان کسانی هستند که باید بتوانند افکار را هدایت کنند، این یک بعد قضیه است چون این راه جز با پای ایمان و نیروی ایمان و عشق طی شدنی نیست. باید کسانی باشند که بتوانند روح ایمان را در انسانها پرورش دهند، بدون شک مسولان و مدیران جامعه فروتنی آفرینانند. سیاستمدان متفکران و روشنفکران احاد مردم هر کدام به نحوی نقش آفرینی می کنند، اما نقش علمای دین، نقش یکسانی که در راه پرورش ایمان مردم از روش دین استفاده می کنند. یک نقش یگانه است، نقش منحصر به فرد است. مدیران جامعه هم برای آنکه بتوانند درست نقش آفرینی کنند به علمای دین احتیاج دارند (بیانات در جمع اساتید فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه، 1379).

#### 4-2-1-2- مولفه های تمدن سازی نوین اسلامی از نگاه رهبری

هر تمدنی از یکسری مؤلفه هایی تشکیل شده است، که ممکن است یکی بر دیگری تقدم داشته باشد. مقام معظم رهبری در طی سفری که در مهر ماه ۱۳۹۱ به استان خراسان شمالی داشتند، مولفه های تمدن سازی را به دو بخش سخت افزاری و نرم افزاری تقسیم نمودند:

1- بخش ابزاری (سخت افزاری) بخش ابزاری؛ عبارت است از همین ارزش هایی که ما امروز به عنوان پیشرفت کشور مطرح می کنیم، علم اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ، اینها همه بخشی از ابزار تمدن است، وسیله است. ما در بخش ابزاری پیشرفت خوبی داشتیم، هم در زمینه ی سیاست، هم در زمینه ی مسائل علمی، هم در زمینه ی مسائل اجتماعی، هم در زمینه اختراعات ... بطور کلی در بخش ابزاری علی رغم فشارها و تهدیدها و تحریم ها و این چنین ها پیشرفت کشور خوب بوده است (بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، 1391).

2- بخش متنی و اصلی و اساسی (نرم افزار) بخش حقیقی؛ آن چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل می دهد که همان سبک زندگی است. این بخش حقیقی و اصلی تمدن است، مثل مسئله ی خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک، نوع آشپزی، تفریحات، مسئله ی خط، مسئله ی زبان، مسئله ی کسب و کار، رفتار ما در محل کار، در دانشگاه، در مدرسه، با فرزند، با رئیس، با مرئوس، با دولت، با دشمن، با بیگانه، اینها آن بخش های اصلی تمدن است که متن زندگی انسان را تشکیل می دهد (همان).

اصالت متنی تمدن: اگر ما در بخش اصلی و متنی پیشرفت نکنیم پیشرفت هایی که در بخش اول کردیم نمی تواند ما را رستگار کند، نمی تواند به ما امنیت و آرامش روانی ببخشد، هم چنان که میبینید در دنیای غرب نتوانسته، در آن افسردگی ناامیدی، از درون به هم ریختن، عدم امنیت انسانها و اجتماع و خانواده، بی هدفی و پوچی هست با این که ثروت است، بمب اتم هست، پیشرفت های گوناگون علمی هست، قدرت نظامی هم هست، اصل قضیه این است ما بتوانیم متن زندگی را، این بخش اصلی تمدن را احساس کنیم (همان). از بیانات رهبری اینگونه استنباط می شود که ایشان بعد نرم افزاری تمدن سازی را مقدم بر بعد سخت افزاری آن می دانند و معتقدند که اصل و اساس تمدن فرهنگ و سبک زندگی است و تا زمانی که ما در بعد معنوی و نرم افزاری تمدن پیشرفت نکنیم موفق به ایجاد تمدن نوین نخواهیم شد، هر چند که از لحاظ مادی هم رشد چشمگیری کرده باشیم چرا که اصل معنویت است نه مادیت.

### 3-1-4- خانه داری

مقام معظم رهبری «زن را مدیر خانه» معرفی کرده است (ر.ک: خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از بانوان برگزیده کشور، 1393). «مدیریت زنان» را اگر در اصطلاح حقوقی بخواهیم به کار ببریم، زن مدیر خانواده نیست، اما در اصطلاح فرهنگی، زن عملاً «مدیریت پنهان» دارد. چرا که؛ زن از احساسات بیشتری برخوردار است. عاطفه در زن بیش از مرد است و این کاملاً متناسب با کارکردهای مادرانه و همسرانه‌ی او است. در واقع مرد به اندازه زن، قدرت انجام امور داخلی خانواده مانند تربیت و پرورش فرزندان، عطوفت و مهر ورزی و حفظ گرمای کانون خانواده و همچنین امور مربوط به خانه داری را ندارد به همین دلیل وظایف زن در امور داخلی خانواده، تبیین شده و این امری لازم و ضروری است. مقام معظم رهبری نیز با اشاره به این مطلب می‌فرماید:

«[نقش زن و مرد] در وظایف مربوط به خانواده یکسان نیست، هر کدام یک نوع وظیفه‌ای دارند. امکانات، ظرفیت‌های جسمی، ظرفیت‌های روحی، به هر کدام یک وظیفه‌ای را محوّل می‌کند؛ اینجا جنسیت نقش دارد.» (خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از بانوان، 1402).

به بیان دیگر بنا بر سخنان مقام معظم رهبری، به دلیل اشراف بیشتر زنان در امور خانواده و گذراندن اوقات بیشتر در خانه، نقش مدیریت امور داخلی خانواده به زن تفویض شده است. زنان با توجه به درایت خدادادی و دانسته‌های اکتسابی برای اداره بهتر امور داخلی خانه انواع مهارت‌های مدیریتی را به کار می‌گیرند.

### 2-4- نقش زنان در حوزه اجتماعی

#### 1-2-4- اعتلای هویت دینی - اسلامی زن مسلمان

اولین و مهمترین نقش فرهنگی زنان در جامعه اسلامی بروز خصوصیات زن مسلمان ایرانی است. بر طبق نظر مقام معظم رهبری زن ایرانی در ایران اسلامی، باید کوششش این باشد که هویت والای زن اسلامی را آنچنان زنده کند که چشم دنیا را به خود جلب کند. این امروز وظیفه‌ی است بر دوش زنان مسلمان؛ بخصوص زنان جوان و دختران دانش‌آموز و دانشجو. مقام معظم رهبری «چرا در محیط‌های غربی، روزبه‌روز بی‌مبالاتی زن در حفظ حرمت و شخصیت زنانه خود بیشتر میشود و حرمت زن روزبه‌روز بیشتر شکسته می‌شود؟ چرا در مجالس رسمی‌ای که در اروپا و در آمریکا برگزار می‌شود، زن می‌تواند حتی با پوشش نیمه‌عریان در این جلسات رسمی شرکت کند اما مرد بایستی با لباس کامل، کراوات هم بزند یا پاپیون هم بزند و شرکت کند؟ چرا؟ چرا زن آن‌جور می‌تواند بیاید، [اما] اگر چنانچه مرد در مجالس رسمی مثلاً فرض کنید با شلوارک بیاید، خلاف آداب عمل کرده؟ علت چیست؟ زن با مینی‌ژوپ بیاید اشکال ندارد، اما اگر لباس این [مرد] یک خرده سبک باشد اشکال دارد؛ چرا؟ چرا در محیط‌های غربی روزبه‌روز فحشا و روسپی‌گری بیشتر دارد ترویج میشود؟ این اتفاق دارد می‌افتد. چرا هم‌جنس‌بازی به عنوان یک شیوه‌ی مرفقی شناخته میشود که اگر کسی انکار کرد، به عنوان یک فکر عقب‌افتاده، یک شخص عقب‌افتاده، یک ملت عقب‌افتاده تلقی می‌شود؟ چرا؟ هم در محیط‌های سیاسی ترویج می‌شود، [هم در] محیط‌های اجتماعی ترویج می‌شود؛ رؤسای جمهور، مسئولان کشورها آن را ترویج می‌کنند و بعضی‌ها افتخار می‌کنند که ما این‌جوری هستیم! چرا؟ این چه منطقی دارد؟ چرا در محیط‌های بی‌مبالات غربی، مسائل جنسی سه‌جانبه یا چهارجانبه — طبق آمارهایی که خودشان میدهند و اطلاعاتی که در اختیار ما هست و میدانیم؛ اطلاعات پنهانی نیست، اطلاعات آشکار است — روزبه‌روز افزایش پیدا میکند؟ همه‌ی چیزهایی که خانواده را منهدم میکند، روزبه‌روز در غرب دارد افزایش

پیدا میکند. همه‌ی این چیزها منهدم‌کننده‌ی اساس خانواده است؛ آزادی جنسی و افراط در گسترش تعرضات جنسی، خانواده را منهدم می‌کند.» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اقشار مختلف بانوان - در آستانه ولادت حضرت زهرا (س) -، 1402/10/06).

هویت اسلامی این است که زن در عین این که هویت و خصوصیت زنانه خود را حفظ می‌کند - که طبیعت و فطرت است و برای هر جنسی خصوصیات آن جنس ارزش است - یعنی آن احساسات رقیق را، عواطف جوشان را، آن مهر و محبت را، آن رقت را، آن صفا و درخشندگی زنانه را برای خود حفظ می‌کند، در عین حال، هم باید در میدان ارزشهای معنوی - مثل علم، مثل عبادت، مثل تقرب به خدا، مثل معرفت الهی و سیر وادیهای عرفان - پیشروی کند، هم در عرصه مسائل اجتماعی و سیاسی و ایستادگی و صبر و مقاومت و حضور سیاسی و خواست سیاسی و درک و هوش سیاسی، شناخت کشور خود، شناخت آینده خود، شناخت هدفهای ملی و بزرگ و اهداف اسلامی مربوط به کشورهای اسلامی و ملت‌های اسلامی، شناخت توطئه‌های دشمن، شناخت دشمن، شناخت روشهای دشمن باید روزبه‌روز پیشرفت کند و هم در زمینه ایجاد عدل و انصاف و محیط آرامش و سکونت در داخل خانواده باید پیشرفت داشته باشد. اگر قوانینی لازم است، اگر تصحیح و اصلاحی در مسائلی که به این جا منتهی می‌شود، لازم است، زنان، زنان باسواد، زنان آگاه، زنان بامعرفت، در همه این میدانها بایستی پیشروی کنند؛ الگوی زن را نشان بدهند؛ بگویند زن مسلمان زنی است که هم دین خود را، حجاب خود را، زنانگی خود را، ظرفتها و رقتها و لطافت‌های خود را حفظ می‌کند؛ هم از حق خود دفاع می‌کند؛ هم در میدان معنویت و علم و تحقیق و تقرب به خدا پیشروی می‌کند و شخصیت‌های برجسته‌ای را نشان می‌دهد و هم در میدان سیاسی حضور دارد. این می‌شود الگویی برای زنان (بیانات مقام معظم رهبری، دیدار جمعی از بانوان، 1376).

## 2-2-4- کسب علم و دانش

رهبر معظم انقلاب، تأکید ویژه‌ای بر حضور زن در زمینه تحصیل علم و دانش دارند و این حضور و حق زنان در این عرصه را منطبق با مبانی و احکام اسلامی می‌دانند و می‌فرمایند:

«زنان می‌توانند تحصیلات عالیه کنند. بعضی‌ها خیال می‌کنند که دختران نباید تحصیل کنند این، اشتباه و خطاست. دختران باید در رشته‌هایی که برای آنها مفید است و به آن علاقه و شوق دارند، تحصیل کنند. جامعه، به تحصیلات دختران هم نیازمند است همچنان که به تحصیلات پسران نیازمند است.» (بیانات مقام معظم رهبری، اجتماع زنان خوزستان، 1375).

یا در جای دیگر بر اهمیت باسواد کردن و ترغیب زنان به کتابخوانی تأکید می‌فرمایند: «از جمله‌ی کارهای بسیار اساسی، باسواد کردن زنان است. از جمله‌ی کارهای بسیار مهم، کتابخوان کردن زنان است. یک شیوه‌های ابتکاری پیدا کنید، برای این که خانم‌های داخل خانه را کتابخوان کنید. متأسفانه زنان ما با کتابخوانی خیلی انسی ندارند. هزاران کتاب در بازار می‌آید و می‌رود، اما اینها مطلع نمیشوند. این کتابها معارف بشری است که ذهنها را برای بهتر فهمیدن، بهتر اندیشیدن، بهتر ابتکار کردن، و در موضع بهتر و صحیح‌تری قرار گرفتن، آماده می‌کند.» (بیانات مقام معظم رهبری، دیدار اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان، 1370).

این فقیه گرانقدر، تحصیل زن را نسبت به سایر فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی، مهمتر و دارای اولویت می‌دانند و در این باره اینگونه بیان می‌دارند:

«البته فعالیت علمی، خیلی خوب است و بر سایر فعالیتها ترجیح دارد. من به خانواده‌ها توصیه می‌کنم که اجازه دهند دخترهایشان درس بخوانند. مبدا پدر و مادری، از روی تعصب دینی، خیال کنند که باید جلو دختر را بگیرند تا تحصیلات عالیه نکند؛ نه؛ دین چنین چیزی نگفته است. دین، برای تحصیل علم، میان دختر و پسر فرقی نمیگذارد. اگر پسر شما تحصیلات عالیه می‌کند،

بگذارید دختر شما هم به تحصیلات عالیه بپردازد. بگذارید دختران جوان ما درس بخوانند، علم بیاموزند، آگاهی پیدا کنند، به شأن خودشان واقف شوند و قدر خود را بدانند، تا بفهمند که تبلیغات استکبار جهانی در خصوص زن، چقدر بی پایه و اساس و پوچ است. در سایه سواد، میشود اینها را فهمید. امروز متدین ترین، انقلابی ترین، پاکترین و با ایمانترین دختران و زنان جوان ما، در میان قشرهای تحصیلکرده هستند. کسانی که اهل تجمل و چسبیدن به زر و زیورآلات هستند و یا کورکورانه و چشم بسته می خواهند از الگوهای غربی در لباس و پوشاک و وضع زندگی تقلید کنند، غالباً از سواد و معلومات و معرفت کافی بهره ندارند. کسی که معلومات داشته باشد، می تواند رفتار خود را کنترل کند و آن را با هر چه حق و حقیقت و خوب است، تطبیق دهد. بنابراین، در میدان علمی، همه راه های فعالیت باید برای زنان باز باشد. دختران، حتی در روستاها هم درس بخوانند. توصیه من به پدران و مادران این است که بگذارند دختر بچه هایشان به مدرسه بروند و سواد بیاموزند. اگر آنها استعداد دارند و مایلند پس از طی مراحل ابتدایی به تحصیلات عالیه و دانشگاهی بپردازند، ممانعت نکنید. بگذارید در جامعه اسلامی ما آنها جزو انسانهای با سواد و دارای معلومات شوند.» (بیانات مقام معظم رهبری، جمع زنان شهر ارومیه، 1375).

### 3-2-4- مشارکت اجتماعی و سیاسی زنان

همانطور که زن از لحاظ جایگاه فطری و معنوی، هیچ گونه محدودیت و نقصانی ندارد، از لحاظ اجتماعی نیز جایگاه زن، تام و تمام است به این معنا که زن در همه عرصه های اجتماعی می تواند حضور یابد. رهبر گرانقدر انقلاب در این باره می فرماید: «عرصه ی دوم، عرصه ی فعالیتهای اجتماعی است؛ اعم از فعالیت اقتصادی، فعالیت سیاسی، فعالیت اجتماعی به معنای خاص، فعالیت علمی، درس خواندن، درس گفتن، تلاش کردن در راه خدا، مجاهدت کردن و همه ی میدانهای زندگی در صحن جامعه. در این جا هم میان مرد و زن در اجازه ی فعالیت های متنوع در همه ی میدانها، هیچ تفاوتی از نظر اسلام نیست. اگر کسی بگوید مرد می تواند درس بخواند، زن نمی تواند؛ مرد می تواند درس بگوید، زن نمی تواند؛ مرد می تواند فعالیت اقتصادی انجام دهد، زن نمی تواند؛ مرد می تواند فعالیت سیاسی کند، زن نمی تواند، منطق اسلام را بیان نکرده و بر خلاف سخن اسلام حرف زده است. از نظر اسلام، در همه ی این فعالیت های مربوط به جامعه ی بشری و فعالیت های زندگی، زن و مرد دارای اجازه ی مشترک و همسان هستند. البته بعضی از کارها هست که باب زنان نیست؛ چون با ترکیب جسمانی آنها تطبیق نمی کند. بعضی از کارها هم هست که باب مردان نیست؛ چون با وضع اخلاقی و جسمی آنها تطبیق نمی کند. این موضوع ربطی به این ندارد که زن می تواند در میدان فعالیت های اجتماعی باشد یا نه. تقسیم کار، بر حسب امکانات و شوق و زمینه های اقتضای این کار است. اگر زن بخواهد شوق داشته باشد، می تواند فعالیت های گوناگون اجتماعی و آنچه که مربوط به جامعه است، انجام دهد.» (بیانات مقام معظم رهبری، اجتماع زنان خوزستان، 1375).

این حکیم فرزانه در جای دیگر می فرماید: «از نظر اسلام، میدان فعالیت و تلاش علمی اقتصادی و سیاسی برای زنان، کاملاً باز است. اگر کسی با استناد به بینش اسلامی بخواهد زن را از کار علمی محروم کند، از تلاش اقتصادی باز دارد، یا از تلاش سیاسی و اجتماعی بی نصیب سازد، به خلاف حکم خدا عمل کرده است. زنان به قدری که توان جسمی و نیازها و ضرورت هایشان اجازه می دهد، می توانند در فعالیت ها شرکت کنند. آنها هر چه می توانند، تلاش اقتصادی و سیاسی و اجتماعی کنند شرع مقدس، مانع نیست» (بیانات مقام معظم رهبری، جمع زنان شهر ارومیه، 1375).

پس، در عرصه ی فعالیت های اجتماعی و سیاسی و علمی و فعالیت های گوناگون دیگر، زن مسلمان مثل مرد مسلمان حق دارد آنچه را که اقتضای زمان است و آن وظیفه ای را که بر دوش خود حس می کند، انجام دهد. در اسلام همه تکالیف بطور یکسان زن

و مرد را مورد خطاب قرار می دهد. بطور مثال «من اصبح لا يهتم بامور المسلمين فليس بمسلم» یعنی کسی که صبح کند و به امور مسلمانان اهتمام نداشته باشد مسلمان نیست» یعنی در فعالیت های اجتماعی زن و مرد هر دو مسئولند. در این باره رهبر معظم انقلاب می فرماید:

بر اساس آیهی شریفه ی سوره ی احزاب ﴿إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا﴾ (احزاب، 35)؛ فرق نمی کند؛ چه اسلام، چه ایمان، چه قنوت چه خشوع، چه تصدق، چه صوم، چه صبر و استقامت، چه حفظ ناموس، چه ذکر خدا، زن و مرد در این بخش ها یکسانند. فعالیت زنان در عرصه ی اجتماع، فعالیتی کاملاً مباح و روا و مطلوب و مجاز است که با حفظ حدود اسلامی، اینها را انجام دهند و نیمی از نیروی فعال جامعه را به جامعه تقدیم کنند. آن وقتی که در جامعه، هم مرد تحصیل می کند و هم زن، جمعیت تحصیل کرده، دو برابر آن زمانی است که فقط مردان تحصیل می کنند. آن وقتی که زنان در جامعه تدریس می کنند، معلم در جامعه دو برابر تعداد آن وقتی است که فقط مردان تدریس می کنند. در فعالیت سازندگی، در فعالیت اقتصادی، در طراحی و فکر کردن و برای امور کشور و یک شهر و یک روستا و یک مجموعه و امور شخصی خانواده مطالعه کردن، میان زن و مرد تفاوتی نیست. همه مسئولند و همه باید انجام دهند» (بیانات مقام معظم رهبری، اجتماع زنان خوزستان، 1375).

رهبر انقلاب در بیانات خود بر ضرورت مشارکت سیاسی بانوان تاکید فراوان داشته اند. ایشان، بیعت در اسلام را یکی از دلایل جواز مشارکت سیاسی زن می دانند و آورده است که: «در اسلام بیعت زن، مالکیت زن، حضور زن در این عرصه های اساسی سیاسی و اجتماعی تثبیت شده است: ﴿إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَى أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ﴾ (ممتحنه، 12)؛ زنها می آمدند با پیغمبر بیعت می کردند. پیغمبر اسلام نفرمود که مردها بیایند بیعت کنند و به تبع آنها، هرچه که آنها رأی دادند، هرچه که آنها پذیرفتند، زنها هم مجبور باشند قبول کنند؛ نه گفتند زنها هم بیعت می کنند؛ آنها هم در قبول این حکومت، در قبول این نظم اجتماعی و سیاسی شرکت می کنند. غربی ها هزار و سیصد سال در این زمینه از اسلام عقبند و این ادعاهای را می کنند در زمینه مالکیت نیز همین طور، و در زمینه های دیگری که مربوط به مسائل اجتماعی و سیاسی است».

رهبر معظم انقلاب هم چنین وجود زنان الگو در عرصه مشارکت سیاسی در طول تاریخ را خود برهانی بر جواز این امر می دانند و می فرمایند:

«خود الگوی فاطمه ی زهرا سلام الله علیها که در دوران کودکی، در بعد از هجرت پیغمبر به مدینه، در داخل مدینه و در همه ی قضایای عمومی آن روز پدرش که مرکز همه حوادث سیاسی اجتماعی بود حضور داشت، نشان دهنده نقش زن در نظام اسلامی است. البته فاطمه زهرا سلام الله علیها قله این فضائل است. زنان برجسته دیگری هم در صدر اسلام بودند؛ بامعرفت، باخرد، باعلم، حاضر در میدان ها، حتی حاضر در میدان های جنگ؛ حتی تعدادی که نیروی بدنی داشتند، حاضر در میدان دلاوری در جنگ؛ شمشیرزنی و سربازی. البته این را اسلام برای بانوان واجب نکرده و از دوش آنها برداشته است؛ چون با طبیعت جسمی و نیز با عواطف آنها سازگار نیست. شخصیت زهرا ی اطهر، در ابعاد سیاسی و اجتماعی و جهادی، شخصیت ممتاز و برجسته ای است؛ به طوری که همه ی زنان مبارز و انقلابی و برجسته و سیاسی عالم می توانند از زندگی کوتاه و پرمغز او درس بگیرند. زنی که در بیت انقلاب متولد شد و تمام دوران کودکی را در آغوش پدری گذراند که در حال یک مبارزه ی عظیم جهانی فراموش نشدنی بود. آن خانمی که در دوران کودکی،

سختی های مبارزه ی دوران مکه را چشید، به شعب ابی طالب برده شد، گرسنگی و سختی و رعب و انواع و اقسام شدت های دوران مبارزه ی مکه را لمس نمود و بعد هم که به مدینه هجرت کرد، همسر مردی شد که تمام زندگیش جهاد فی سبیل الله بود و در تمام قریب به یازده سال زندگی مشترک فاطمه ی زهرا و امیر المومنین (ع)، هیچ سالی، بلکه هیچ نیم سالی نگذشت که این شوهر، کمر به جهاد فی سبیل الله بسته و میدان جنگ نرفته باشد و این زن بزرگ و فداکار، همسری شایسته ی یک مرد مجاهد و یک سرباز و سردار دائمی میدان جنگ را نکرده باشد.

## 5- نتیجه گیری

این مطالعه با هدف نقش زنان اندیشمند در تمدن سازی نوین اسلامی از منظر رهبری انجام شد. نتایج نشان داد بر طبق بیانات مقام معظم رهبری؛ وظایف همسری و مادری زنان مهمترین و اصلی ترین وظیفه زن در خانه معرفی شده است. زنان نقش موثری در تأمین آرامش خانواده را بر عهده دارند نوع، کار و کنش مادری زنان نیز منحصر به فرد است که کسی به جز زنان نمی تواند انجام دهد و این یک امتیاز و قدرت است. زنان نقش موثری در تربیت فرزند، انتقال هویت و فرهنگ اسلامی به نسل جدید بر عهده دارند. از نظر مقام معظم رهبری زن در خانواده عنصر محوری است و باید بر روی کار زنهای خانه دار ارزش گذاری ویژه بشود. همچنین از منظر ایشان؛ اولین و مهمترین نقش فرهنگی زنان در جامعه اسلامی بروز خصوصیات زن مسلمان ایرانی است. ایشان معتقدند که کوش و تلاش زن مسلمان باید این باشد که هویت والای زن اسلامی را زنده نماید یعنی در عین حفظ هویت و خصوصیات زنانه خود، احساسات و عواطف رقیق خود در مسائل اجتماعی و سیاسی نیز صبر و مقاومت، درک و هوش سیاسی خود را افزایش دهد هم در عرصه فردی و خانوادگی سرآمد باشد هم در میدان معنویت و علم و تحقیق به سوی خدا تقرب جوید. کسب علم و دانش و حضور و مشارکت اجتماعی و سیاسی زنان از دیگر مقوله های قابل استخراج در بیانات مقام معظم رهبری بود.

## منابع

1. قرآن کریم
2. بانکی پورفرد، امیرحسین. (1397). زن و خانواده. تهران: نشر انقلاب اسلامی.
3. جان احمدی، فاطمه. (1388). تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، تهران: دفتر نشر معارف.
4. خامنه ای، سیدعلی. (1368-1401). بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم، نرم افزار حدیث ولایت.
5. سیاح، مونس، شرفی، نیلوفر. (1398). مقایسه رویکرد حکمرانی در حوزه زنان و خانواده در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ براساس مؤلفه های حکمرانی خوب از منظر اسلام، اولین همایش ملی حکمرانی، تهران.
6. سیمبر، رضا و رضا پور، دانیال. (1397). جایگاه زنان در گفتمان رهبران انقلاب اسلامی ایران. فصلنامه زن و جامعه، 9(34)، 133-154.
7. صاحب الزمانی، ناصرالدین. (1380). سهم اسلام در تمدن جهانی، تهران: انتشارات بعثت.
8. کلینی، محمد بن یعقوب. (1407). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
9. ولایتی، علی اکبر. (1387). فرهنگ و تمدن اسلامی، تهران: دفتر نشر معارف.